

بررسی اجمالی خصوصی سازی

در چند کشور منتخب

با اشاره ای بر سیاست های کلی اصل ۴۴

بخش اول

دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و
سرمایه گذاری بورس
برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبائی

ساختاری در امور اقتصادی و اجتماعی (بخش سنتی و مدرن و تقابل بین این دو)، عدم حضور جریانات سیاسی ملی بالنده و مستمر، عصر امتیازات به خارجی ها، عصر بی خبری، پذیرش سلطه و استعمار و... داشتند آنها پای دولت را به میان آوردند تا برای ایجاد کشوری توسعه یافته، دولت به ایجاد زیر ساخت های مناسب برایشان بپردازد.

از جمله زیر ساخت هایی که حضور بالنده تر دولت را موکد بود به این قرار است: وجود بیسواد، فقر، جهل، بیکاری، تولید سنتی و معیشتی، وجود بازار محدود و بسته، پس انداز اندک، فقر در سرمایه، فقر در دانش فنی، فقدان قواعد نهادی و بی ثباتی سیاسی و اقتصادی، عدم تعادل بین نهادها و بخش ها، و...

اما بعد از ایجاد این زیر ساخت ها از سال های ۱۹۸۰ به بعد برای این کشورها آنها باز به سمت رویکرد بازار - دولت روی آوردند اما در ایران به علت وجود نفت و در اختیار بودن آن در دست دولت، مردم و بازار به دولت اتکا داشتند.

در ربع پایانی قرن بیستم دوباره بازگشتی به سوی اندیشه های دوره اول بوجود آمد و رویکردی موسوم به نئولیبرالیسم توانست اندیشه های دولتگرایی سوسیالیستی و کینزی و... را از صحنه خارج کند. در این دوره ناتوانی نظام های سوسیالیستی در پاسخگویی به خواسته ها و تقاضاهای مصرفی افراد به علاوه ناتوانی دولت های رفاه در حل

کشور و سرمایه گذاری در بخش هایی که به تولید کالاهای عمومی می پردازند. (تظیر آموزش و پرورش). این دوره به رغم انتقادهای تندی که از چنین نظام اقتصادی می شد، تا قرن بیستم استمرار یافت. در نیمه اول قرن بیستم دو واقعه انقلاب کبیر ۱۹۱۷ و ۱۹۲۹ (سبب شد - بحران بزرگ اقتصادی اروپا و آمریکا (۳۴) که دولت در حوزه اقتصادی نقش بیشتری ایفا کند. با انقلاب ۱۹۱۷ که اندیشه اقتصاد سوسیالیستی در عمل برای تقریباً ۷۰ سال پیاده شد دولت به طور کامل زمام امور را در عرصه اقتصادی بلوک شرق به دست گرفت و مجالی برای بخش خصوصی باقی نگذارد. با بحران بزرگ اقتصادهای موسوم به سرمایه داری، دولت به عنوان مکمل بخش خصوصی در عرصه سرمایه گذاری وارد عمل شد و در نهایت اندیشه های کینزی در قالب دولت رفاه تبلور یافت. در واقع می توان گفت کارکرد موثر فرآیند بازار - دولت به گونه ای دیگر به ابعاد بزرگتر تصمیم گیری دولت انجامید اما باید در نظر داشت، کینز تنها دولت را به

عنوان کاتالیزوری برای رفع مشکلات به میان صحنه آورد و بحثی از فرآیند بالادستی دولت - بازار را به میان نیاورد. در واقع می توان ۱۹۷۰ به بعد - گفت بعد از شکست بازار، سال های ۱۹۶۰ سال های استقلال کشورهای آسیایی و آفریقایی بوده است که به علت مشکلاتی که در زمینه اضمحلال نظام تولید، تک محصولی بودن، دوگانگی

۲۰ درصد و سهم بخش خصوصی را به ۵۵ درصد و سهم بخش تعاونی را به ۲۵ درصد برساند) و در صورتی که این اصل مطابق دیگر اصول قانون اساسی محقق شود، رشد و توسعه اقتصادی را در پی خواهد شد. داشتن اقتصادی متمرکز و دولتی نتیجه عدم پایبندی به اصل ۴۴ قانون است، تا جایی که برخی معتقدند ۸۰ درصد اقتصاد کشور دولتی است. مؤید این نظریه نتایج موسسه مطالعاتی «هریتیج» است که اعلام داشته " ایران ششمین رتبه اقتصادی دولتی را داراست."

۱. مبانی نظری تحقیق
تعیین حدود دخالت دولت در حوزه فعالیت های اقتصادی مهمترین مساله های است که از بدو شکل گیری اندیشه اقتصادی مدرن، پیش روی نظریه پردازان اقتصادی قرار داشته است. در یک تقسیم بندی کلی در این باره که دولت در حوزه اقتصادی چه نقشی دارد و میزان دخالت آن در چه حدی باید باشد سه دوره را می توان از هم تفکیک کرد: دوره ای که از قرن هیجدهم با تحولات صنعتی در انگلستان آغاز شد و همراه با اندیشه های اقتصاددانان کلاسیک بود. مشخصه اساسی نظام اقتصادی در این دوره دخالت محدود دولت در امور اقتصادی است و وظایف آن با آنچه آدام اسمیت به عنوان وظایف اساسی دولت طرح کرده بود، انطباق داشت. یعنی تامین امنیت عمومی، دفاع از تمامیت ارضی

مقدمه:
ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در حقیقت بیانگر نوع نگرش نظام به فعالیت های اقتصادی کشور می باشد. اگر چه اعلان این نگاه و نگرش برای فعالین اقتصادی بسیار حائز اهمیت است و در حقیقت پدیدار شدن افق فعالیت های اقتصادی در آینده را نشان می دهد ولی ارائه راهبردهای اجرایی که منجر به نائل شدن به اهداف این سیاست ها است؛ از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. هدف اصلی از ابلاغ این سیاست ها تبدیل اقتصاد فعلی کشور به یک اقتصاد پویا، توسعه ای و رقابتی است که با کاهش تصدی گری دولت و توسعه فعالیت های بخش خصوصی امکان پذیر خواهد بود. در چارچوب فرآیند خصوصی سازی، یک اقتصاد رقابتی شکل گرفته و اقتصاد رقابتی به تغییر نقش دولت، ایجاد امکانات مالی جدید و گسترش رفاه عمومی منجر می شود. خصوصی سازی از جمله اثر بخش ترین و ضروری ترین راهبردهای دستیابی به صنعت و اقتصادی مترقی و پویا می باشد.

اصل ۴۴ قانون اساسی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است (برابر با برنامه ریزی انجام شده، دولت در نظر دارد تا پایان برنامه چهارم توسعه سهم مالکیت خود را در اقتصاد کشور به

معضل رکود تورمی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری زمینه را برای احیای رویکرد لیبرالیسم در قالب‌های فکری جدید فراهم نمود.

در این شرایط یکی از راه‌های رسیدن به توسعه اقتصادی سیاست خصوصی‌سازی بود، خصوصی‌سازی روندی است که در طی آن، در هر سطحی دولت امکان انتقال وظایف و تسهیلات و وظایف خود را از بخش عمومی به بخش خصوصی بررسی کرده و در صورت تشخیص و اقتضا نسبت به چنین انتقالی اقدام می‌کند. مفهوم خصوصی کردن مبین واجد شرایط کردن و باز نمودن درهای یک موسسه اقتصادی عمومی به نیروهای بازار با توجه به داده‌ها و بازدهی‌ها می‌باشد. خصوصی‌سازی در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۶۲ مطرح و با برنامه اول در سال ۱۳۶۸ دنبال شد. از آن‌رو که درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز نیاز به تخصیص و خرج کردن دارد که دائماً در اختیار دولت بوده است بنابراین برای کاستن از رشد دولت در اقتصاد، خصوصی‌سازی در ایران مطرح شد. بنابراین می‌توان گفت که برای بازآفرینی یک ساختار دولتی به چنین شکلی نیا زمندیم:

که این به این معناست که باید ساختارها را به‌گونه‌ای تغییر دهیم که مکانیزم‌ها کار کنند (تغییر قیمت، انگیزه برای سود در بخش خصوصی، حذف سوبسید) از این رو برای بهتر کار کردن ساختارها باید سیاست‌های تعدیل را به کار برد اما چون در این فرآیند به یک سری از اقشار جامعه فشار وارد می‌شود و فشار بیشتری را متحمل می‌شوند از این رو باید سیاست‌های تثبیت را به کار برد (می‌توان نتیجه گرفت که عملاً سیاست‌های تثبیت در دل سیاست‌های تعدیل قرار دارند). اما با وجود فرآیند جهانی شدن و باز شدن مرزهای کشورها برای ایجاد خصوصی‌سازی باید دانست که قبل از خصوصی‌سازی باید فرآیندی بنام آزاد سازی صورت بگیرد تا منابع بتوانند به صورت آزاد در این فرآیند

نقش‌آفرینی کنند.

خصوصی‌سازی زمانی مفهوم دارد که امکان رقابت بین شرکت‌های مختلف وجود داشته باشد ولی در وضعیت کنونی در کشور انحصار دولتی وجود دارد. خصوصی‌سازی باید از پایین شروع شود چرا که هسته‌های اولیه و اصلی بخش خصوصی توانایی خرید از بازار سرمایه‌ای را باید داشته باشد. در حالی که در ایران از بالا شروع شده است و این چنین با خلق یک بازار هوشمند در درون دولت می‌توان دولت را از بازار بیرون کشید.

همانند گفته فریدمن، اقتصاد همانند بادکنکی است که اگر یک سمت آن را بگیری فشار به سمت دیگری وارد می‌شود از این رو می‌توان خصوصی‌سازی را در قالب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ با استفاده از تجربیات دیگر کشورها به اجرا درآورد و دچار شتاب‌زدگی نیز نشد.

۲. اهداف

خصوصی‌سازی یعنی تغییر فضای حاکم بر موسسات دولتی به نحوی که در عین حفظ بافت اصلی فعالیت، صرفاً فضای مذکور تغییر یافته و شرایط بازار بر نحوه موسسه‌های طوری تاثیر گذارد که انگیزه و مکانیسم‌های بخش خصوصی ممالک تصمیم‌گیری در موسسه مذکور قرار گیرد.

اهداف خصوصی‌سازی باتوجه به ویژگی‌های اقتصادی و موقعیت هر کشور با یکدیگر متفاوت خواهد بود. ولی به هر حال در همه کشورهایی که به خصوصی‌سازی پرداخته‌اند هدف اصلی بهبود بخشیدن به اوضاع و شرایط اقتصادی است. در کنار این هدف اصلی اهداف دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد که عبارتند از: افزایش بهره‌وری و تولید ملی، دستیابی دولت به منابع مالی بخش خصوصی، تشویق رقابت، افزایش رفاه ملی و افزایش کارایی فعالیت‌های اقتصادی، صرفه جویی در هزینه‌های دولت، ایجاد رونق در بازار سرمایه و گسترش فرهنگ مشارکت در شکل دهی دولت متناسب به دور از خطای غفلت (در انجام امور حاکمیتی خود) به دور از خطای مداخله (دخالت در امور بازار و مردم)

گسترش فضای کسب و کار (آزادسازی اقتصادی) خصوصی‌سازی مالکیت‌ها و شرکت‌های دولتی بازآفرینی ساختار و کارکرد دولت کشور، جلوگیری از انحصارات آشکار، جمع‌آوری نقدینگی و ایجاد نظام متعادل توزیع درآمد بین اقشار مختلف مردم. پهنه اقتصادی جهانی امروز، دولت فربه را بر نمی‌تابد. مناسبات پیچیده و متنوع در مقوله‌های مدیریت، تجارت، اقتصاد، جذب سرمایه خارجی و فناوری جدید، امکان و «دولت ناظر» آمیختگی با اقتصاد بین الملل و ... بر تقویت استوار است. «دولت مجری» کاهش نقش توسعه اقتصادی و به دنبال آن افزایش سطح عمومی معاش جامعه در سایه یک دولت مقتدر در اعمال نظارت دست یافتنی است و صرفاً در این صورت است که خواسته‌های آحاد جامعه ارتقا و تعالی می‌یابد و ارزشهایی را که نظام در پی استقرار و توسعه آن است نهادینه می‌شود.

۳. پیشینه تحقیق

آخرین و دقیق‌ترین پژوهش درباره ارزیابی تأثیر خصوصی‌سازی بر عملکرد شرکت‌ها از سوی مگینسون و تیر (۲۰۰۱) صورت گرفته است. در جامع‌ترین این پژوهش‌ها از روش مشابهی برای مقایسه عملکرد عملیاتی و مالی قبل و بعد از خصوصی‌سازی تعدادی از شرکت‌های خصوصی شده از طریق عرضه عمومی سهام، در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در دوره زمانی بیشتر از سه سال استفاده شده است.

همان‌گونه که مگینسون و تیر (۲۰۰۱) بیان کرده اند، همه این مطالعات نتایج مشابهی دارند. میانگین وزنی ارزش‌های متوسط در مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که سودآوری به صورت درآمد خالص تقسیم بر فروش تعریف شده از میزان متوسط ۸/۶ درصد پیش از خصوصی‌سازی به ۱۲/۶ درصد پس از آن افزایش یافته است. کارایی به شکل فروش واقعی (توزم تعدیل شده) به ازای هر کارمند تعریف شده از ۹۶/۹ درصد در سال خصوصی‌سازی به ۱۲۳/۳ درصد در

دوره پس از آن رسیده است. بین ۷۹ تا ۸۶ درصد شرکت‌ها افزایش بازده سرانه کارکنان خود را داشته‌اند. نتیجه اغلب مطالعات، از نظر آمارهای اقتصادی، افزایش چشمگیر تولید و همچنین کاهش قابل توجه نسبت بدهی به دارایی شرکت‌ها را نشان داده و مخارج برای سرمایه‌گذاری‌های عمده به آرامی افزایش یافته است. ولی تغییرات در میزان اشتغال مبهم بوده است.

دگرگونی ساختار مدیریت به همراه وجود انگیزه کافی و اداره صحیح، از جمله عوامل اصلی بهبود عملکرد شرکت‌ها محسوب می‌شوند.

ژانکف و مورل (۲۰۰۰) جامع‌ترین و دقیق‌ترین بررسی را روی ۱۲۵ مطالعه تجربی درباره اقتصادهای در حال گذار انجام دادند. آنها با ارائه شواهد کافی که از مطالعات مختلف بدست آمده است چنین استدلال می‌کنند که در بیشتر کشورهای در حال گذار، مالکیت خصوصی نسبت به مالکیت دولتی، زیرساخت‌های بهتری را برای انجام بهتر فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها فراهم می‌آورد (شرکت‌ها را برای بقا و شکوفایی در اقتصاد مبتنی بر بازار رقابتی آماده‌تر می‌سازد).

ولی تفاوت‌های منطقه‌ای آشکار است؛ یعنی تأثیر خصوصی‌سازی در کشورهای شرق و مرکز اروپا بیش از دو برابر کشورهای اتحاد شوروی سابق می‌باشد.

۴. بررسی تجربیات خصوصی‌سازی

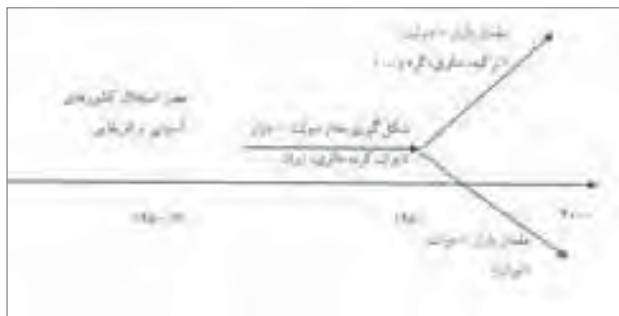
در چند کشور

۱ - ۴. خصوصی‌سازی در آلمان
آلمان شرقی در پی وحدت [با آلمان غربی] به ارز قوی و نهادهای جمهوری فدرال آلمان دست یافته است. مسئله اصلی

در روند تعدیل صنعتی، خصوصی‌سازی دارایی‌های تحت تملک دولت بود. در ژانویه ۱۹۹۰ قانون اساسی جمهوری دموکراتیک آلمان

تغییر کرد تا امکان ایجاد اقتصاد بازارگرا پدید آید. تروی هند، بزرگترین بنگاه مادر

شکل ۲- بازآفرینی ساختار و کارکرد دولت



شکل ۱- روند خصوصی‌سازی و شکل‌گیری مدار، دولت-بازار، و دولت



تخصصی جهان است که در اول مارس ۱۹۹۱، به منظور خصوصی سازی اموال دولتی در آلمان شرقی تاسیس شد و مالکیت موقتی همه دارایی های سرمایه ای دولت را بر عهده گرفت. وظیفه آن تبدیل شرکت های آلمان شرقی به شرکت هایی بر اساس مکانیزم بازار و برنامه ریزی جهت واگذاری آنها به بخش خصوصی بود.

وظایف قانونی سازمان "تروی هند" ۱- محدود نمودن دامنه فعالیت اقتصادی دولت از طریق خصوصی سازی. ۲- افزایش زمینه رقابت بین شرکت ها. ۳- مدرنیزه کردن ماشین آلات و تجهیزات. ۴- حفظ اشتغال و افزایش سرمایه گذاری های مولد.

تروی هند ۹۰ حسابدار و مشاور از آلمان غربی را مامور کرد تا این بنگاه ها را در شش گروه طبقه بندی کنند به صورتی که در طبقه اول بهترین بنگاه ها و در طبقه ششم، ضعیف ترین بنگاه ها قرار بگیرند.

با توجه به ساختار بنگاه ها، تروی هند مجبور بود که یا بنگاه تحت مالکیت خود را تعطیل کند و یا آن را با روشی خصوصی نماید که به اصلاح ساختار آن بیانجامد. خصوصی سازی از طریق مذاکره به دلیل وضعیت ضعیف اقتصادی بنگاه ها، عمده ترین روش خصوصی سازی در آلمان بود، همانطور که جدول (۲) نشان می دهد، قرارداد فروش به همراه تعهدات خریدار بوده است. تروی هند مجبور بود با استفاده از روش مذاکره، در قرارداد فروش بنگاه تعهداتی را بگنجانند که موجب اصلاح نحوه عملکرد شرکت شود. به

جدول ۱

رتبه	رتبه بنگاه	درصد بنگاه ها
۱	بنگاه های سودآوری که آماده خصوصی سازی بودند	۲
۲	قابل خصوصی سازی پس از کمی تغییرات ساختاری	۷
۳	دارای طرح تجاری قوی اما نیازمند تغییرات ساختاری	۴۱
۴	وجود امکان تغییر ساختار اما عدم وجود طرح تجاری قوی	۲۴
۵	امکان ضعیف برای تغییرات ساختاری	۹
۶	کسب و کارهای ضعیفی که باید تعطیل شوند	۱۷
	مجموع	۱۰۰ درصد

طور کلی می توان روش های واگذاری تروی هند را چنین برشمرد:

فروش به بخش خصوصی، واگذاری به مدیران، فروش به خارجی ها، بازگرداندن به صاحب ان قبلی، انتقال به مقامات محلی، تعطیل و بستن شرکت ها، ادغام و جداسازی.

فروش به مدیران: (هدف، واگذاری به مدیران و کارکنان)

تقویت قشر متوسط اجتماعی حفظ اشتغال قبل از کسب درآمد واگذاری به مدیران با کفایت و قابل اطمینان در صورت محدودیت مالی مدیران اعطای تسهیلات:

- فروش اقساطی
- تمدید بدهی های شرکت و ...

واگذاری به خارجی ها

در توافق سازمان تروی هند با حکومت مرکزی واگذاری شرکت ها به خریداران خارجی در دستور کار تروی هند قرار گرفت حضور خارجیان به گونه ای هدایت می شد که به سلطه بر بازار منجر نشود.

هدف از واگذاری شرکت ها به خارجی ها

۱. مؤسسه های خارجی تعهدها و دانش بیشتری با خود می آورند. زیرا این خرید نقطه آغاز تعهدات بعدی آنها در بازارهای آلمان و اروپا بود.
۲. حضور خارجیان، تمایل سرمایه گذاران آلمانی را در عمل به تعهد خود در قبال سرزمین های جدید فدرال افزایش می داد.

تروی هند از سرمایه گذار بالقوه می خواست که پیشنهادی ارائه دهد. پذیرفتن خریدار به قیمت پیشنهادی او بستگی ندارد، بلکه به درستی پیشنهاد و اعتبار آن در تصمیم اشتغال و سرمایه گذاری های آینده بستگی

جدول ۲

روش خصوصی سازی	ویژگی های روش و تعداد بنگاه ها
فروش به مدیران	فروش بنگاه به همراه تعهدات اشتغال و سرمایه گذاری (۱۰ هزار بنگاه با استفاده از این روش در آلمان شرقی واگذار شد).
قرارداد مدیریت	واگذاری به مدیران قبلی (تقریباً ۳ هزار شرکت از این طریق این روش خصوصی سازی شد.
فروش دارایی ها	متوقف کردن فعالیت بنگاه هایی که هیچ راه نجاتی نداشتند (۳ هزار بنگاه)

دارد. اگر دو سرمایه گذار یک مؤسسه واحد را درخواست کنند، تروی هند از سرمایه گذاری طرفداری می کند که پیشنهادش معطوف به تداوم بنگاه اقتصادی و فعالیت اصلی آن باشد. البته، این روش به این معناست که احتمال کاربردی دیگری از آن بنگاه، به نحوی که سودآوری بهتری داشته باشد، تقریباً منتفی باشد. از دیدگاه اقتصاد ملی، تأکید بر ادامه فعالیت ها و حفظ مراکز صنعتی، به هنگامی که رقابت مستلزم تجدید ساختار اقتصاد باشد، امری است دشوار. وقتی تصمیم های خصوصی سازی، کل یک حوزه را تحت تأثیر قرار می داد، تروی هند همه گروه های مختلفی را که خصوصی سازی بر آنها اثر می گذاشت به مذاکرات دعوت می کرد.

شیوه: تروی هند قانوناً مجاز به انتخاب شیوه خصوصی سازی بود. در این روند، تروی هند بهای دریافتی را که مستلزم تعیین بهترین ارزش گذاری برای بنگاه است، بر ادامه کار بنگاه و سرانجام ایجاد مدیریت صحیح در بنگاه ترجیح نمی داد. تروی هند در انتخاب شیوه انعطاف داشت.

ابزار کار به نوع بنگاه، اندازه آن، محل و غیره، بستگی دارد. اساساً دو شیوه مختلف وجود دارد: مدل مزایده و مدل مذاکره.

در مزایده، شرکت باید به عموم یا عده محدودتری عرضه شود و به بالاترین پیشنهاد فروخته شود. تروی هند از مدل مزایده استفاده نکرد، زیرا سرمایه گذاری و اشتغال آتی، و نه قیمت، مهم ترین معیارها برای سرگرفتن معامله بودند. در مدل مذاکره، شرکت به عموم عرضه می شود، یا در بیشتر موارد به خریداران گزینش شده ای عرضه می شود. تروی هند عمدتاً عرضه به خریداران برگزیده متقاضی بنگاه های بزرگ و بسیار بفرنج و مجتمع را در صنایع کشتی سازی، فولاد و آهن، و صنایع شیمیایی، در پیش گرفت. در این صنایع، سرمایه گذاران بالقوه زیاد نیستند. وقتی با سرمایه گذاران تماس گرفته شود، مذاکره دوجانبه به فروش با قیمت بالاتر ختم می شود. مسئله

تداوم کار بنگاه، سرمایه گذاری آتی و تضمین مشاغل است که اهمیت دارد. پس از آنکه تصمیم به فروش مؤسسه دولتی به سرمایه گذار استراتژیک گرفته شد، مشاوران دستگاه اجرایی وظایف زیر را انجام می دهند:

۱. ارزیابی ارزش مؤسسه دولتی: در این مرحله کارشناسان دولتی سعی می کنند تا با استفاده از روش های مختلف ارزش گذاری، ارزش شرکت دولتی را به دقت مورد مطالعه قرار دهند تا در انجام فرآیند مذاکره و واگذاری شرکت ها هیچ خسارتی متوجه دولت و اموال

عمومی نشود.

۲. ارزیابی وضعیت بازار و سرمایه گذاران بالقوه برای فروش مؤسسه دولتی: در قدم بعدی باید بررسی شود که سرمایه گذاران موجود در بازار دارای چه ویژگی های شخصی می باشند، چه میزان حاضرند پول بپردازند و چه نگرشی در مورد آینده شرکت دولتی دارند. تضمین آینده مؤسسه دولتی و کارکنان آن از مهمترین معیارهای انتخاب سرمایه گذاران بالقوه است.

۳. انتخاب از میان متقاضیان خرید شرکت: پس از آنکه با یک اعلان عمومی، سرمایه گذاران بالقوه شناسایی شد و طرح های توسعه ای آن ها در مورد آینده شرکت جمع آوری شد، باید از میان آن ها انتخاب صورت گیرد. به مستولان فروش توصیه می شود که مؤسسه ها را در چارچوب رقابت میان خریداران بالقوه به فروش برسانند. این کار از طریق مذاکره موزی با چندین طرف علاقمند انجام می شود.

۴. تدارک مراحل اجرایی فروش شرکت و تنظیم قرارداد: برای شناخت ویژگی های سرمایه گذاران استراتژیک بالقوه، هر کدام از آن ها باید طرحی جامع در مورد نگرش خود به نحوه عملکرد آینده شرکت دولتی آماده کنند که دستگاه اجرایی خصوصی سازی بتواند پس از بررسی عملیاتی و امکان پذیر بودن این طرح ها، با توجه به معیارهایی که بیان شد انتخاب خود را انجام دهد. مواردی که در این طرح های جامع توسط سرمایه گذاران گنجانده می شود، بعداً (در صورت انتخاب سرمایه گذار برای واگذاری شرکت) در قرداد میان سرمایه گذار و دستگاه اجرایی خصوصی سازی به عنوان تعهدات سرمایه گذار گنجانده می شود. بنابراین سرمایه گذاران نمی توانند در ابتدا برای جلب نظر دولت از وعده های بسیار گزاف و ناممکن برای آینده شرکت استفاده کنند. دو مورد از تعهداتی که حتماً در قرارداد مورد اشاره قرار می گیرد عبارتند از:

تعهد به استمرار شرکت: در واقع زمانی که خریدار طرح جامعی را برای فعالیت های آتی شرکت تنظیم می کند و آن را به دستگاه اجرایی خصوصی سازی می دهد، به طور ضمنی متعهد شده است که شرکت باید به فعالیت های خود ادامه دهد.

تعهد به سرمایه گذاری و اشتغال: ارقام و آمار سرمایه گذاری و اشتغال، مندرج در طرح توسعه شرکت، به عنوان یک تعهد در قرارداد گنجانده می شود. اگر این ارقام سرمایه گذاری و اشتغال نقض شود، جریمه هایی برای سرمایه گذار در نظر گرفته می شود.

ادامه دارد ...